

تاثیر حضور بایدن بر روابط آمریکا و روسیه



انتخابات ریاست جمهوری ایالات متحده آمریکا همواره این پرسش را مطرح می کند که برداشت های رئیس جمهور منتخب چه تاثیری بر روابط آمریکا و روسیه می گذارد؟ هر محافل سیاسی جدید در آمریکا بر امیدواری به تغییر به سمت بهتر تاکید می کند. این مسئله پس از پیروزی دونالد ترامپ که از سوی برخی ناظران و تحلیلگران به عنوان عامل کرم‌لین به تصویر کشیده مطرح بود. همین امر در مورد بسیاری از روسای جمهور دیگر نیز صادق بوده، اما در نهایت خیلی زود امیدها کمرنگ شد. حتی اگر بین رهبران روابط دوستانه ای برقرار شود، ساختار سیاست خارجی هر گونه احساس مثبت در این مورد را تضعیف می کند.

به گزارش پایگاه خبری اگرو فود نیوز، به نقل از روزانه نیوز ، جو بایدن سیاستمدار با تجربه و حرفه ای است که تقریباً نیم قرن بر سیاست آمریکا در قبال اتحاد جماهیر شوروی و روسیه مدرن تاثیرات مستقیم یا غیرمستقیم داشته است. ناظران و تحلیلگران نیازی به توهم در مورد « نگاه تازه » به روسیه ندارند. بایدن ساختار روابط روسیه و آمریکا یا اصول اساسی سیاست خارجی آمریکا در مورد روسیه را تغییر نخواهد داد. ما باید هوشیارانه ماهیت روابط خود و همچنین اهداف راهبردی اقدامات دولت آمریکا را ارزیابی کنیم. از دیدگاه ایالات متحده آمریکا؛ روسیه یکی از رقبای اصلی و خطرناک می

باشد. فدراسیون روسیه با وجود ضعف اقتصادی، یک قدرت بزرگ نظامی است که به تنهایی تصمیم می گیرد و آماده دفاع از آن می باشد. تاکنون واشنگتن چشمان خود را بر روی احتمال اتحاد روسیه و چین بسته است. به نظر می رسد که مفروضه نخست این است که چنین اتحادی هنوز به نفع مسکو و پکن نیست. همچنین ایالات متحده بر این تاکید است که می تواند هر دو کشور با موفقیت مهار نماید. علاوه بر این سیاست روسیه و چین در حوزه نظامی-سیاسی هنوز از آنچه به عنوان اتحاد توصیف می شود فاصله دارد.

از دیدگاه آمریکا؛ روسیه در بیشتر مناطق از اروپا، آسیا تا خاورمیانه و همچنین در حوزه های مهم اتمی، دیجیتال، فضایی و ... تهدید یا چالشی برای آمریکا محسوب می شود. در بهترین شرایط؛ ما باید در مورد حفظ گفتگو در حوزه کنترل تسلیحات، همکاری در قطب شمال، تعامل در حوزه مبارزه با تروریسم، همکاری در حوزه آب و هوا و روابط اقتصادی گفتگو کنیم. جو بایدن و دولت وی در روابط خود با روسیه برای دستیابی به اهداف استراتژیک و راهبردی زیر تلاش خواهد کرد:

الف) مهار روسیه و ایجاد موازنه در توان نظامی به عنوان حداقل وظیفه و دستیابی به برتری کامل در انواع تسلیحات و فن آوری های نظامی به عنوان حداکثر وظیفه. حتی اگر ایالات متحده آمریکا در برخی از انواع جدید تسلیحات عقب باشد؛ غیرممکن به نظر می رسد که روسیه بتواند موازنه قوا را کاملاً تغییر دهد. در بهترین حالت این امر به مسکو اجازه می دهد تا امنیت خود را حفظ کند و گهگاهی برای دستیابی به اهداف محلی به مقابله با آمریکا بپردازد. در همین زمان وظیفه ایده آل ایالات متحده آمریکا در این عرصه « خلع سلاح بنیادی» روسیه مطابق با مدل آلمان در سال ۱۹۴۵ می باشد. بنابراین این امر تنها با شکست نظامی روسیه یا در نتیجه یک شوک عمیق به سیستم سیاسی و تغییر در داخل حاصل شود. سناریوی نخست را نباید نادیده گرفت اما هزینه ی آن برای ایالات متحده آمریکا بسیار قابل توجه خواهد بود. سناریوی دوم با توجه به فروپاشی و خودباختگی اتحاد جماهیر شوروی ارزان تر و ایمن تر می باشد و از این رو وظیفه دوم مهم تر در نظر گرفته می شود.

ب) تضعیف رژیم سیاسی روسیه. اجرای این رویکرد اغلب با تامین مالی مخالفان، القای برخی نگرش های غرب گرایانه و جنگ اطلاعاتی همراه است. اما تنها این بخشی از تصویر است و مهم ترین آن به شمار نمی آید. در دهه گذشته اگر چه این عوامل دلیل اصلی سقوط اتحاد جماهیر

شوروی نبودند اما از جمله متغیرهایی بودند که در این زمینه نقش مهمی را ایفا نمودند. این کشور تنها تحت فشار مشکلات، بی توجهی به آن ها و از دست رفتن کنترل بر مشکلات فروپاشید. در این راستا واشنگتن ممکن است بر اساس همین سناریو به سمت فروپاشی روسیه مدرن حرکت کند. بنابراین وظیفه دولت روسیه مقابله با مشکلات سیستمی مانند فساد، سومدیریت و مشکلات حاکمیت قانون می باشد. در این شرایط رادیکال های سرسخت در مقابل « دخالت غرب » تنها به این هدف کمک می کنند. آن ها مانند کادرهای برژنف هر گونه ابتکار عمل را تضعیف و سیستم را به سمت دیوان سالاری سوق می دهند و به دلایل امنیت واهی؛ قانون را بیش از پیش تضعیف می سازند.

ج) مهار اقتصادی و فناوری روسیه: این سناریو می تواند از طریق تحریم و محدودیت های تجاری، سرمایه گذاری، امور مالی و فناوری انجام شود. با این حال، این تنها بخشی از مشکل است. در سال ۲۰۱۴م روسیه حتی قبل از جدال بزرگ با کشورهای غربی به خصوص آمریکا؛ با وجود منابع مالی قابل توجه و دسترسی به بازارهای سرمایه جهانی نتوانست بر موقعیت اقتصادی پیرامونی خود غلبه کند. بنابراین امروز وضعیت پیچیده تر و شرایط بازار بسیار نامساعد می باشد و این هم خطرات و تهدیدات سیاسی برای روابط اقتصادی خارجی را بیشتر می کند.

روسیه در این شرایط باید چه اقدامی انجام دهد؟

الف) حفظ و توسعه پتانسیل و توانایی دفاعی: با توجه به آخرین دستاوردهای جهانی در عرصه علم و تکنولوژی؛ روسیه باید پتانسیل و توانایی دفاعی خود را حفظ و توسعه دهد. اما این اقدامی وقت گیر و پرهزینه می باشد. بسیاری از سیستم های تسلیحاتی امکان حل وظایف فعلی سیاست خارجی را ندارد اما آن ها تضمین می کنند که مسکو دیگر مشابه سال ۱۹۹۹ شاهد سرنوشت بلغراد نخواهد شد. اگرچه ایالات متحده در حوزه تسلیحات نظامی متعارف قدرت برتر محسوب می شود اما روسیه در حوزه نامتقارن توانایی مهار آمریکا برخوردار است.

ب) توسعه دولت مبتنی بر حاکمیت قانون و کارایی بالا در عرصه مدیریت: هر چقدر هم که در عرصه فعالیت های تبلیغاتی و جنگ های اطلاعاتی فعال باشید، « پاکسازی » بیش از حد موجب توهم امنیت می شود و در واقع امنیت واقعی را تضعیف می سازد.

ج) حفظ و گسترش روابط با اقتصاد جهانی: با این فهم که جهانی سازی

تحت تاثیر رقابت سیاسی قدرت های بزرگ در حال کاهش می باشد؛ روابط خود را با اقتصاد جهانی حفظ و گسترش دهید و این به معنای ضرورت تنوع بخشی به روابط تجاری و تکیه به خود در عرصه صنایع استراتژیک می باشد.

منبع: روزانه نیوز